

به نام خدا



عنوان مستند: شیوه‌نامه رتبه‌بندی اعتباری بانک‌های تجاری

شماره ویرایش: صفر

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

مرجع تصویب: هیأت مدیره

۱- شیوه‌نامه رتبه‌بندی بانک‌های تجاری

شیوه‌نامه رتبه‌بندی شرکت رتبه‌بندی اعتباری برهان برای بانک‌های تجاری از سه چارچوب تحلیلی گسترده تشکیل شده است. این ارزیابی با بررسی عوامل بیرونی سیستمی که ممکن است بر مشخصات ریسک بانک اثرگذار باشد، آغاز می‌شود و به دنبال آن، مشخصات عملیاتی اختصاصی بانک تجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، حمایت‌های بیرونی که ممکن است برای بانک وجود داشته باشد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.



نمودار ۱ چارچوب تحلیلی

۲- محیط عملیاتی بانک‌های تجاری

محیط عملیاتی بانک‌های تجاری به ریسک‌های اقتصادی و صنعت که بانک‌های تجاری در معرض آن قرار دارند یا ممکن است در افق زمانی رتبه‌بندی با آن مواجه شوند مرتبط است.

در ارزیابی ریسک اقتصادی، فهم ساختار موجود و پیش‌بینی شده اقتصاد، انعطاف‌پذیری سیاست‌های اقتصادی در برابر ساختار سیاسی اجتماعی پیش‌بینی شده، عدم توازن اقتصادی فعلی و بالقوه و بخش‌های اصلی ریسک اعتباری از اهمیت بالایی برخوردار است. در بخش تجزیه و تحلیل ریسک اقتصادی، ظرفیت نظام بانکی جهت تطبیق با تغییرات اقتصادی در سطح ملی در سطوح بخشی و هر بانک نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

درجه تاب‌آوری اقتصادی موجب کاهش ریسک اقتصادی بالاخص برای بانک‌های بزرگ و پرنفوذ می‌گردد و همچنین می‌تواند فضا را برای بانک‌های کوچک و متوسط نیز مساعد نماید.

به منظور ارزیابی ریسک صنعت، عمق پوشش محیط قانونی حاکم بر بانک‌ها و اثربخشی نظارت توسط ارکان نظارتی نیز در نظر گرفته می‌شود. رتبه‌بندی‌ها همچنین تحت تأثیر توانایی ارکان نظارتی در تشخیص سلامت بانک‌ها در نظام بانکی و ظرفیت و تمایل آن‌ها به مداخله به منظور جلوگیری از شکست این مؤسسات قرار می‌گیرند. جایگاه شفافیت در نظام بانکی در چارچوب مقررات به اندازه کارآیی کلی نظام حقوقی در حمایت از بانک برای تصاحب دارایی‌های مشتری در شرایطی که این دارایی‌ها مسدود شده است، اهمیت دارد.

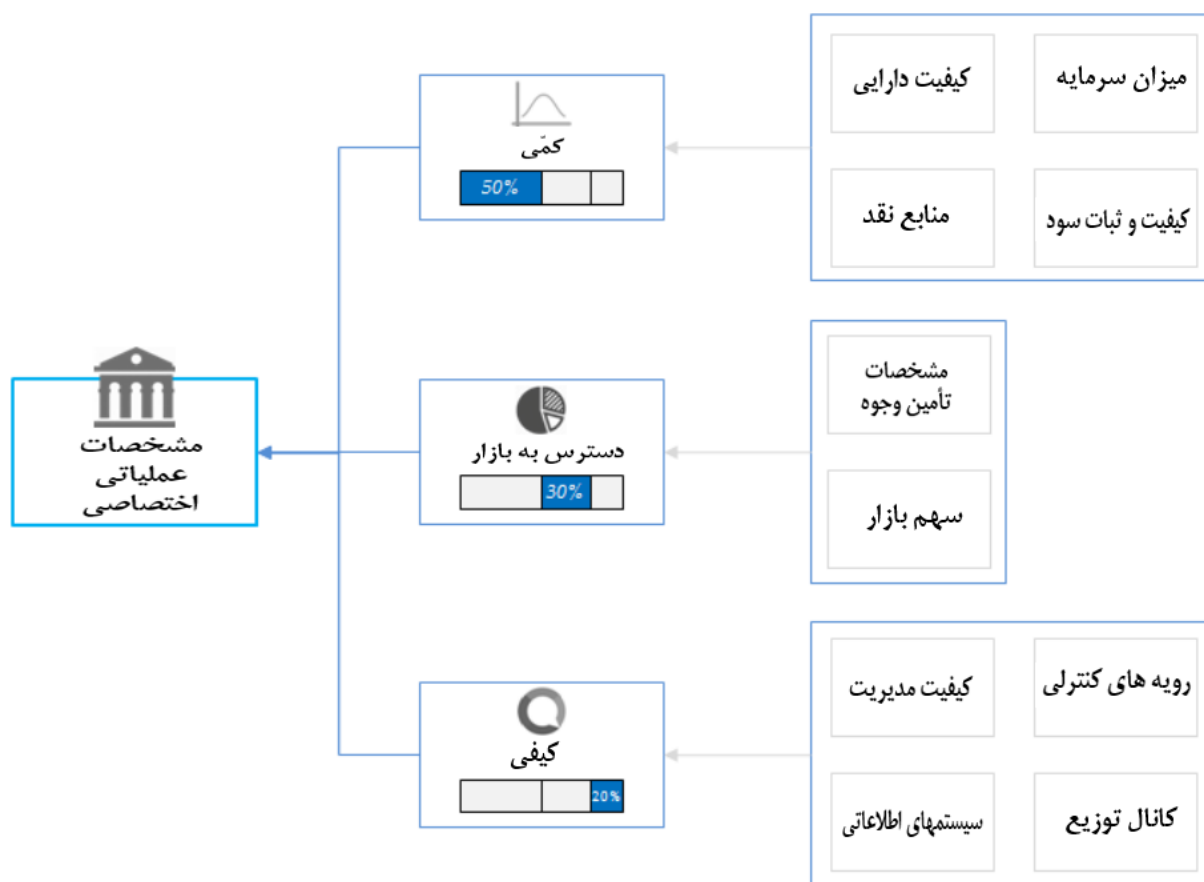
۳- مشخصات عملیاتی اختصاصی بانک‌های تجاری

ارزیابی ریسک‌های مالی اختصاصی یک نهاد مالی دارای سه بُعد است. بُعد اول، که وزن ۵۰ درصدی دارد، تجزیه و تحلیل عوامل مختلف کمی از جمله میزان سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، کیفیت و پایداری سود و دارایی‌های نقد موجود در ترازنامه است. بُعد دوم، شامل ارزیابی دسترسی به بازار است که مشتمل بر سهم بازار بانک، مشخصه‌های تأمین وجوه، تمرکز سپرده‌گذاران، تنوع در انواع

منابع تأمین مالی و دسترسی به بازار سرمایه برای تأمین مالی از محل اوراق سرمایه‌ای می‌باشد. این بُعد در تحلیل‌ها وزن ۳۰ درصدی را داراست در حالی که عوامل کیفی دیگر در تحلیل‌ها دارای وزن ۲۰ درصد است. عوامل کیفی شامل مشخصات مدیریت، مدیریت ریسک، زیرساخت‌های فناوری و کانال‌های ارائه خدمات می‌باشد. شناسایی سایر بانک‌های هم رده و مقایسه بانک با آن‌ها، یک بخش مهم در تجزیه و تحلیل‌های اختصاصی در راستای تحلیل مناسب سطح عملکرد بانک است.

گرچه سود پایدار (سود بدون در نظر گرفتن تمام اقلام فوق‌العاده، ذخایر و مالیات‌ها) و مشخصات ریسک بانک به صورت مناسبی در ارزیابی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند، ولی برهان معتقد است ارزش نام تجاری بانک و توانایی مدیریت در بهبود و سرمایه‌گذاری بر روی آن است که توان مالی بانک را در بلندمدت تعیین می‌کند. بنابراین، به طور کلی این امکان وجود دارد بانک‌های تجاری که از نسبت‌های مالی ضعیف‌تری برخوردارند، به دلیل کیفیت مدیریت، عوامل حمایتی و نام تجاری رتبه‌های بالاتری را کسب کنند. بدین ترتیب، رتبه‌ها صرفاً در نتیجه ارزیابی جنبه‌های مالی بدست نمی‌آیند.

برهان شاخص‌هایی برای ارزیابی حوزه‌های کلیدی کمی از جمله سرمایه، کیفیت دارایی، نقدشوندگی و سودآوری بوجود آورده است. بعضی از این موارد در بخش‌های بعدی این شیوه‌نامه آورده شده‌اند. اگر تنها یک شاخص در حدودی که برای یک رتبه تعیین شده است قرار بگیرد یا نگیرد، به عنوان تضمین برای اختصاص یا عدم اختصاص آن رتبه محسوب نمی‌شود.



نمودار ۲: عوامل تعیین کننده مشخصات اختصاصی

۴- عوامل کمی

۴-۱- میزان سرمایه

توان سرمایه یک بانک، در سرمایه پایه آسیب‌نندیده آن در مقایسه با دارایی‌های موزون شده به ریسک آن منعکس شده است. این موضوع، با عنوان نسبت کفایت سرمایه (CAR) معروف است و بصورت درصد نشان داده می‌شود. نسبت کفایت سرمایه، یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارزیابی ریسک بانک محسوب می‌شود و از این‌رو در مقررات مقدار حداقلی اجباری برای آن در نظر گرفته شده است. حداقل نسبت کفایت سرمایه در مقررات، طوری محاسبه گردیده است که برای تحمل زیان‌های عادی و معمول کسب و کار نظام بانکی کافی باشد. سطوح بالاتری از نسبت کفایت سرمایه، قادر به جذب بیشتر زیان‌ها و ریسک‌های کسب و کار بانکی است و انتظار می‌رود چنین بانک‌هایی بتوانند دوره‌های طولانی‌تر رکود اقتصادی یا مشکلات تجاری را تحمل کنند. مقادیر پایین‌تر از حداقل تعیین شده، توانایی بانک برای خنثی‌نمودن ضرر و ریسک را کاهش می‌دهد و ممکن است بانک را در معرض پایش مقام ناظر قرار دهد. نسبت کفایت سرمایه به تنهایی، ارزیابی منصفانه‌ای از توانایی بانک برای پوشش ضررها و ریسک‌های احتمالی را فراهم می‌کند. همچنین توجه هم‌زمان به سطح سود بالقوه بانک و نسبت کفایت سرمایه آن، تصویر واضح‌تری از ظرفیت بانک در پوشش ضررها و مقابله با ریسک‌های احتمالی را در یک افق زمانی مشخص به دست می‌دهد. نسبت کفایت سرمایه با توجه به کیفیت دارایی بانک نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ هرچه ریسک ضرر و زیان در سبد سرمایه‌گذاری زیادتر باشد، بانک به سرمایه بیش‌تری برای حفظ سطح سرمایه خود نیاز خواهد داشت. علاوه بر نسبت کفایت سرمایه، نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها نیز به منظور دستیابی به دیدگاهی غیرموزون از شاخص سرمایه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. استمرار در کفایت سرمایه که از رشد حقوق صاحبان سهام در مقایسه با رشد دارایی‌ها حاصل می‌شود، به عنوان یکی از شاخص‌های منعکس‌کننده ریسک، در رتبه‌بندی اهمیتی حیاتی دارد.

مبلغ مطلق حقوق صاحبان سهام پایه و احتیاطی در مقایسه با الزامات قانونی حداقل سرمایه (MCR) نیز به عنوان عاملی مهم در نظام بانکی در نظر گرفته می‌شود. دلیل این که مبلغ حقوق صاحبان سهام در ارزیابی‌ها اهمیت حیاتی دارد این است که ممکن است بانک‌ها مجبور شوند همه زیان‌های ناشی از مطالبات غیرجاری را به صورت یک‌جا ثبت کنند و اجازه نیابند که با استفاده از روش‌های ذخیره‌گیری این ضررها را به سال‌های آتی منتقل کنند. بنابراین، سرمایه پایه به عنوان ضربه‌گیر در شرایط کاهش ناگهانی در کیفیت دارایی‌ها یا کاهش شدید سود در یک سال خاص عمل می‌کند.

برهان تأکید خاصی بر کیفیت سرمایه گزارش شده در ترازنامه بانک، خواهد داشت. از این‌رو توجه بیش‌تری به سرمایه اصلی که از توانایی بالاتری در جذب زیان‌ها برخوردار است، می‌شود. باید توجه داشت اقلامی همچون دارایی‌های نامشهود و سرقفلی در محاسبه سرمایه مرکزی از سرمایه کسر می‌شوند. علاوه بر این، مالیات معوق که قابلیت اطمینان آن بستگی به درآمد آتی دارد نیز از سرمایه کسر خواهد شد تا تأثیر آن بر شاخص‌های سرمایه مورد ارزیابی قرار گیرد.

برهان به ردیابی توانایی بانک در تطابق با الزامات قانونی فعلی و آتی در سایه برنامه‌های رشد و توسعه بانک، خواهد پرداخت. برهان، سطوح سرمایه لایه اول و نسبت کفایت سرمایه را برای سطوح رتبه‌بندی مختلف تعریف کرده است. سرمایه لایه اول و نسبت کفایت سرمایه بانک‌هایی که رتبه سطح سرمایه‌گذاری دریافت می‌کنند، باید با الزامات قانونی در این رابطه تطبیق داشته باشند. انتظار می‌رود که سرمایه لایه اول و نسبت کفایت سرمایه در بانک‌هایی که بالاترین رتبه اعتباری را دریافت می‌کنند، به طور احتیاطی حداقل ۳ درصد بیش‌تر از سطح الزامات قانونی باشد.

۴-۲- کیفیت دارایی

ملاحظات کلیدی ریسک دارایی عبارت از: رشد سریع تسهیلات اعطایی، عدم بازپرداخت تسهیلات جاری، میزان پوشش‌دهی ذخایر و وثایق، و ریسک ناشی از تمرکز در ترکیب دارایی‌ها (تمرکز در تسهیلات گیرنده، یک بخش اقتصادی یا یک منطقه جغرافیایی) می‌باشند.

رشد سریع تسهیلات اعطایی، هنگامی که با استانداردهای ضعیف ضمانت همراه باشد، ممکن است منجر به فشارهایی بر کیفیت دارایی‌های بانک شود که در رکود اقتصادی این امر بیشتر قابل مشاهده است. رشد در بخش‌های مختلف تأمین مالی شده نیز مورد ارزیابی و کنترل قرار می‌گیرد تا مشخص شود که این رشد در بخش‌هایی که ریسک بالایی داشته و به عنوان منبع بالقوه ریسک اعتباری محسوب می‌شوند رخ داده است یا خیر.

کیفیت سبد تسهیلات اعطایی از طریق اندازه‌گیری ریسک اعتباری، ریسک تمرکز و ریسک نرخ بهره، که سبد تسهیلات اعطایی در معرض آن‌ها قرار دارند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. قضاوت در مورد ریسک اعتباری تسهیلات اعطایی به موقع بازپرداخت نشده، از طریق طبقه‌بندی تسهیلات به طبقات مختلف ریسک بر اساس مقررات احتیاطی مربوطه و با در نظر گرفتن ریسک‌های خاصی که حساب‌ساز داخلی یا خارجی گوشزد کرده‌اند، تعیین می‌شود. طبقه‌بندی تسهیلات اعطایی غیرجاری بر اساس طبقه‌بندی‌های مندرج در مقررات احتیاطی، ساختار ریسک سبد تسهیلات را نمایان می‌سازد. مقدار مطلق تسهیلات غیرجاری و نسبت آن به کل تسهیلات اعطایی و همچنین نسبت آن به بخش سالم از حقوق صاحبان سهام، از اهمیت بالایی از منظر پتانسیل درآمدزایی و چشم‌انداز توسعه کسب و کار برخوردار می‌باشد. ریسک دارایی به دلیل در معرض قرار داشتن نسبت به ریسک‌های کنونی نیز بررسی می‌شود تا بتوان میزان ذخیره‌گیری آتی مورد نیاز را محاسبه نمود. میزان پوشش ذخایر از کل تسهیلات غیرجاری نیز در ارزیابی میزان ریسک پوشش داده نشده در دفاتر بانک، از اهمیت بالایی برخوردار است. زمانی که میزان پوشش ذخایر و وثایق تا حد قابل ملاحظه‌ای از تسهیلات بازپرداخت نشده پیشی بگیرد، برهان امتیاز ریسک دارایی بانک را تعدیل خواهد نمود. برهان همچنین برای بانک‌هایی که رتبه AAA دریافت می‌کنند، با بررسی رقبای مشابه، نسبت استاندارد تسهیلات بازپرداخت نشده به کل تسهیلات را حدود ۲ درصد یا کمتر تعیین کرده است.

کیفیت سبد تسهیلات اعطایی همچنین به ریسک تسهیلات گیرندگان و ریسک بخش اقتصادی که تسهیلات به آن پرداخت شده است، بستگی دارد. یک سبد تسهیلات اعطایی با اندازه و دانه‌بندی مناسب - بر حسب تعداد تسهیلات داده شده - ممکن است در مقایسه با یک سبد تسهیلات اعطایی که بر بخش خاصی تمرکز کرده، کمتر تحت فشار کیفیت پایین دارایی‌ها باشد، و بدلیل مواردی از عدم بازپرداخت تسهیلات بزرگ کیفیت خود را حفظ خواهد کرد. تمرکز بر بخش یا بخش‌های خاص ممکن است منجر به زیان‌های اعتباری و غیرعادی بخصوص در مواقعی شود که این بخش‌ها با شرایط فشار اقتصادی یا چرخه تجاری مواجه شوند. سطح توزیع سبد تسهیلات اعطایی بین تسهیلات بازده متغیر و ثابت، ریسک سبد تسهیلات را در مقابل تغییرات نرخ بهره نشان می‌دهد.

۳-۴ - کیفیت و پایداری سود

سطح سود پایه و پایداری آن، نقطه مرکزی در ارزیابی سودآوری به عنوان قدرت اساسی یک موسسه است. در سود پایه بانک، تأثیر درآمدهای موردی، ذخایر و مالیات در نظر گرفته نمی‌شود. سودآوری، توانایی در ایجاد ذخایر و پوشش زیان‌های شناسایی‌نشده را بدون تأثیر بر سرمایه پایه بانک تعیین می‌کند. پتانسیل ایجاد سود پایدار، عامل کلیدی تعیین‌کننده ارزش نام تجاری و مدیریت موثر بانک است و اجازه می‌دهد تا بانک به طور مداوم در محصولات و فن‌آوری‌های جدید سرمایه‌گذاری کند. رشد قابل ملاحظه در سطح سود در یک سال خاص اگر در نتیجه منابعی حاصل شده باشد که ماهیت نوسان‌پذیری دارند، به رتبه‌بندی آن کمک نمی‌کند.

موقعیت تجاری و پتانسیل کسب سود بانک، از تمرکز یا تنوع در خدمات قابل ارائه، ارزش نام تجاری و توزیع جریانات درآمدی بانک ناشی می‌شود. تنوع خدمات در دسترس مشتریان بانک (اعم از اینکه بر پایه تأمین مالی باشد یا نباشد) و همچنین کارایی در ارائه آن‌ها، منجر به توسعه ارزش نام تجاری بانک می‌شود که در صورتی که در یک دوره زمانی بصورت موثری ارائه شوند، به تقویت هم کمک می‌کنند. لازم بذکر است همان‌طور که افزایش ارزش نام تجاری زمان‌بر است، کاهش ارزش آن می‌تواند با گذشت زمانی کوتاه و به سرعت اتفاق افتد. اکثر درآمدهای بانک از محل تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری‌ها (با درآمد ثابت و مبتنی بر بازار) و به دنبال آن از محل فعالیت‌های تجاری و درآمدهای اتفاقی، حاصل می‌شود. درآمد حاصل از اعطای تسهیلات، جزو پایدارترین و بزرگ‌ترین درآمدهای بانک در شرایط عادی هستند در حالی که درآمد مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های تجاری با فاصله نزدیکی در رده بعدی قرار می‌گیرند.

تجزیه و تحلیل دوره‌ای و سری زمانی در مورد نسبت حاشیه درآمد بهره خالص به کل درآمدها و همچنین نسبت درآمد کارمزدها و کمیسیون‌ها به مجموع درآمدها، برای یک بانک به صورت جداگانه و برای گروه بانک‌های مشابه، نشان‌دهنده موقعیت نسبی ریسک بانک در سری زمانی خود و در میان گروه بانک‌های مشابه است. روند و سهم درآمدها/ زیان‌های موردی از کل درآمدها، نشان‌دهنده استراتژی کسب و کار و ثبات جریان درآمدی یک بانک است.

توانایی یک بانک در پوشش هزینه‌های ذخیره‌گیری در طی یک چرخه تجاری از محل سودآوری همان سال، بر کیفیت دارایی بانک اثر مثبت دارد. در یک سال مشخص از یک چرخه تجاری (ده سال یا یک دوره نزول اقتصادی)، در صورتی که هزینه‌های ذخیره‌گیری از نصف میانگین سود خالص سال‌های یک چرخه تجاری بیشتر نباشد، آن‌گاه انتظار می‌رود سود بانک (قبل از کسر ذخایر و مالیات) بتواند پاسخگوی هزینه‌های آتی ذخایر باشد. این موضوع در مورد بانک‌های بزرگ که توانسته‌اند تأثیر هزینه‌های بالای ذخیره‌گیری را در طی سال‌های رکود اقتصادی از محل سودآوری سال پوشش دهند، صادق بوده است. برهان مقیاسی با عنوان نرخ بازده اقتصادی میانگین دارایی‌ها قبل از کسر مالیات^۱ (بدون در نظر گرفتن درآمدهای اتفاقی) را برای درجات مختلف رتبه‌بندی تعریف کرده است. میانگین ذخایر به منظور محاسبه شاخص فوق مورد استفاده قرار می‌گیرد تا تأثیر نوسانات در هزینه‌های ذخایر در طی سال مورد نظر را خنثی کند. انتظار می‌رود که شاخص فوق برای بانک‌هایی که رتبه‌ای در سطح سرمایه‌گذاری کسب می‌کنند، مثبت باشد.

۴-۴- منابع نقد

دارایی‌های نقدی که در ترازنامه وجود دارد نوعی ذخیره احتیاطی را برای بانک فراهم می‌کند تا بتواند بدهی‌های غیرمنتظره را پوشش دهد. برهان مقیاس‌هایی را برای دارایی‌های نقد با توجه به سپرده‌ها و وام‌های دریافتی تعریف کرده و در محاسبه آن‌ها، تنها دارایی‌های نقد شونده با کیفیت بالا را در نظر می‌گیرد. دارایی‌های با کیفیت اعتباری ضعیف/ غیرجاری و دارایی‌های بلوکه‌شده در محاسبات وارد نمی‌شوند. دارایی‌های نقد به بدهی‌های کوتاه‌مدت و دارایی‌های نقد به کل وام‌های دریافتی نیز از جمله دیگر نسبت‌های معمول برای تعیین خصوصیات نقدشوندگی یک بانک به طور خاص یا در مقایسه با سایر بانک‌های مشابه می‌باشند. برای بانک‌های کوچک، حداقل نقدشوندگی برای ارتقاء به سطح رتبه بالاتر، بیشتر از میزان مورد نیاز برای بانک‌های بزرگ است که این موضوع بدلیل قابلیت تحمل پایین‌تر ریسک در بانک‌های کوچک‌تر می‌باشد.

۴-۵- دسترسی بازار

^۱ Pre-tax ROAA

جایگاه یک بانک در بازار، غالباً بر اساس مقادیر سپرده جذب شده توسط بانک در مقایسه با کل سپرده‌های جذب شده توسط صنعت بانکداری سنجیده می‌شود. بانک‌هایی که سهم قابل توجهی از بازار را در اختیار دارند از صرفه به مقیاس بیش‌تری برخوردار خواهند بود و ممکن است که دارای قدرت نرخ‌گذاری بالاتری باشند. علاوه بر این بانک‌ها، پس از دستیابی به میزان خاصی از سهم بازار، در محیط داخلی هم حائز اهمیت سیستمیک خواهند شد. در محاسبه امتیاز کل دسترسی بازار، برهان به سهم بازار، وزن قابل توجهی می‌دهد. سهم بازار ممکن است برای کسب رتبه‌های بالاتر، یک عامل متمایزکننده باشد. انتظار می‌رود برای آن دسته از بانک‌های دارای رتبه AAA، وزن سهم بازار حدود ده درصد یا بیشتر باشد.

برهان نسبت وضعیت بانک را با ملاحظه روند زمانی کل منابع تأمین شده از بازار نسبت به کل بدهی‌ها و دارایی‌های بانک می‌سنجد تا میزان اتکای بانک به طرف‌های ثالثی که تا حد زیادی به وضعیت اعتباری حساسیت دارند را دریابد. از نظر برهان تأمین کامل وجوه از بازار نسبت به تأمین وجوه از محل سپرده‌ها از ثبات کمتری برخوردار است.

در ارزیابی سپرده‌های جذب شده توسط بانک، تمرکز بیشتری بر روی نوع سپرده (سپرده‌های اصلی در برابر سپرده‌های فرعی و سپرده‌های خرد در برابر سپرده‌های شرکتی) و ترکیب سپرده‌ها صورت می‌گیرد. میزان دانه‌بندی سپرده‌ها از طریق میزان تمرکز بر نوع حساب‌ها (جاری یا پس‌انداز)، و همچنین نسبت مجموع ارزش سپرده بیست بزرگترین سپرده‌گذار به یکصد بزرگترین سپرده‌گذار، می‌تواند دیدگاه خوبی را نسبت به ثبات نقدینگی در بانک فراهم کند. سهم بازار بیشتر در جذب سپرده‌ها همراه با دانه‌بندی مناسب و میزان بالای سپرده‌های جاری یا پس‌انداز، به عنوان یک نقطه قوت در مشخصات ریسک محسوب شده و معمولاً با شبکه شعب وسیع‌تر و از نظر جغرافیایی گسترده‌تر همراه است.

ارزیابی ریسک نقدینگی، به منظور تعیین محدوده‌ای است که یک بانک قادر خواهد بود بدون توسل به حمایت بانک مرکزی شرایط نامساعد بازار و اقتصادی را تحمل نماید. به این منظور لازم است عدم تطابق سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها در جدول زمانی سررسیدها بررسی شود. برهان، همچنین شکاف تأمین مالی را از طریق نسبت خالص منابع پایدار که در بازل ۳ معرفی شده است، نظارت می‌کند. نسبت بیش از ۱۰۰٪ نشان‌دهنده این موضوع است که بانک قادر خواهد بود با سررسید شدن دارایی‌هایش از عهده بدهی‌هایش بریاید. آزمون استرس که توسط مدیریت ریسک انجام می‌شود، اگر با مفروضات عملگرایی انجام شود، به عنوان یک ابزار مفید در مدیریت نقدینگی به شمار می‌رود. گسترش آزمون استرس به بدهی احتمالی و اندازه آن‌ها نیز تأثیر مستقیمی بر مشخصه‌های ریسک نقدینگی بانک دارد.

۵- عوامل کیفی

رویه‌های کنترلی موجود در بانک و چشم‌انداز آتی بانک که توسط مدیریت ارشد ترسیم شده است، مولفه مهم در رتبه‌بندی است. نفوذ چشم‌انداز مدیریت ارشد به سطوح پایین در سازمان و شفافیت راهبرد تعیین شده نیز در رتبه‌بندی مدنظر قرار می‌گیرد. ثبات مدیریت که از طریق برنامه‌های جانشینی و نرخ جابجایی کارکنان مشخص می‌شود بر تداوم دستیابی به اهداف بلندمدت سازمان تأثیر می‌گذارد و عدم ثبات در مدیریت، ارزیابی راهبردها را تضعیف می‌کند. شاخص‌های کنترلی در نظر گرفته شده توسط مدیریت، از جمله برنامه‌های اقتضایی و میزان تمرکز، به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین مؤلفه‌هایی چون اثربخشی فرآیندهای ارزیابی و نظارت بر ریسک اعتباری از وزن قابل توجه برخوردار هستند.

سیستم‌های اطلاعاتی موجود از نظر کفایت آن‌ها در راستای توانایی تولید و انتقال اطلاعات و در دسترس مدیریت قرار دادن به موقع این اطلاعات در هنگام تصمیم‌گیری‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرند. از منظر فن‌آوری اطلاعات، سهولت جریان اطلاعات بین واحدهای عملیاتی مختلف، توانمندی گزارش‌گیری‌های متنوع و کارایی منابع مختلف داخلی و خارجی در پشتیبانی و توسعه سیستم فن‌آوری

اطلاعات از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. سیاست‌های امنیتی فن‌آوری اطلاعات و برنامه‌های بازیابی اطلاعات در مواقع اضطراری از اهمیت حیاتی در پایایی و تغذیه سیستم برخوردار بوده و با توسعه روز افزون بانکداری بی‌شعبه، بر اهمیت آن نیز افزوده خواهد شد. ظرفیت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات موجود و برنامه‌ریزی انجام شده برای ظرفیت سازی آتی به منظور توسعه محصولات مبتنی بر فن‌آوری، در آینده از اهمیت روزافزونی برخوردار می‌شوند. همچنین به همین دلایل، اثربخشی حسابرسی‌های داخلی، توالی انجام آن‌ها و میزان استفاده مدیریت از آن‌ها، موجبات توانمندی سیستم‌ها و رویه‌ها را فراهم می‌آورد. توانایی مدیریت ریسک در ارزیابی مشخصات ریسک کلی دارایی‌ها و بدهی‌های یک بانک تجاری بررسی می‌شود. ارزیابی ریسک‌های اعتباری، بازار و نرخ بهره در سبد سرمایه‌گذاری‌ها و ناهمسانی سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها نیز در رتبه‌بندی مورد توجه قرار می‌گیرند.

کانال‌های ارائه خدمات در بانک‌های تجاری بستگی به استراتژی و مدل کسب و کار آن‌ها دارد. همچنین کانال‌های ارائه خدمات باید با نوع دارایی و یا بدهی که کسب و کار بانکی بدنبال ارائه آن از کانال‌های توزیع خود می‌باشد، همخوانی داشته باشد. برای ارزیابی مناسب بودن کانال‌های ارائه خدمات، روند رشد شعبه‌ها با رشد سپرده‌ها مقایسه شده و با تحلیل بیشتر دانه‌بندی و ترکیب سپرده‌ها (پس‌انداز/ حساب جاری)، به صورت داخلی و در مقایسه با کل بدهی‌ها، تکمیل می‌شود.

۶- وجود حمایت‌های بیرونی از بانک

ممکن است که حمایت‌های بیرونی از یک بانک تجاری از طرف سهامداران عمده فعلی، دولت یا سهامداران عمده در شرف ورود، وجود داشته باشد.

توانایی یک بانک تجاری در ایفای تعهدات خود تحت تأثیر درجه حمایت‌های بیرونی از بانک نیز قرار دارد. اهلیت اعتباری بانک‌های تجاری که توان مالی ضعیفی دارند، با حمایت یک شخص ثالث معتبر، افزایش پیدا می‌کند. قدرت حامیان، سهامداران، گروه و دولت و حتی بانک‌های هم‌سطح نیز بر رتبه بانک تأثیر مثبتی می‌گذارند. به طور مشابه، مسائل راجع به توان مالی به صورت علائم قدرت/ فشار که ممکن است بر مشخصات ریسک موضوع رتبه‌بندی تأثیر داشته باشند، نیز در نظر گرفته می‌شوند.

سازوکارهای حمایتی که در جهت اعتبارافزایی محسوب می‌شود سازوکار قابل اجرایی را برای برخورداری بموقع از حمایت‌ها فراهم کرده است. به موقع بودن ایفای تعهدات مالی، در تعریف رتبه‌بندی حیاتی است و روشن می‌کند که عامل تعیین رتبه، نه ظرفیت بازپرداخت نهایی بلکه پرداخت بموقع است که باید با دیگر بانک‌های مشابه مقایسه شود.

حمایت دولتی تأثیرگذارترین نوع حمایت خارجی است. اگرچه وجود حمایت ضمنی از سوی دولت از بروز پیامدهای ناخواسته وسیع اقتصادی یک بانک شکست خورده جلوگیری می‌کند و ممکن است منجر به دستیابی به رتبه اعتباری بالاتر شود، لکن پیش‌بینی پذیر بودن شدت حمایت دولتی، اغلب توسعه نظام بانکی داخلی را با مشکل مواجه می‌کند.

۷- رتبه‌بندی اوراق سرمایه‌ای بانک

در رتبه‌بندی اوراق خاص، اولویت نسبی یک طبقه خاص از بدهی در دریافت مطالبات خود، نسبت به سایر تعهدات شخص حقوقی/ نهاد مالی مدنظر قرار می‌گیرد. این بدان معناست که در رتبه‌بندی اوراق بهادار، از یک سو احتمال نکول ناشر و از سوی دیگر احتمال بازیافت مطالبات مربوط به اوراق بهادار، توأمان در نظر گرفته می‌شوند. به عنوان یک قاعده کلی، آن دسته از طلبکارانی که در هنگام ورشکستگی، در دریافت مطالبات خود، اولویت اول را داشته باشند، بالاترین رتبه را خواهند شد، در حالی که اوراق بهادار ترکیبی که اولویت پایین‌تری در ادعا نسبت به دارایی‌ها دارند، در یک رتبه پایین‌تر قرار می‌گیرند. این بدان معناست که برهان ابتدا به رتبه‌بندی

ناشر مبادرت می‌ورزد، که رتبه بدهی‌های اولویت‌دار تضمین نشده یا به عبارت دیگر سپرده‌ها است و سپس به ارزیابی هر اوراق بدهی بر اساس ویژگی‌های مختص به آن اقدام می‌نماید.

۷-۱- ابزار لایه دو

برهان، بدهی‌های با اولویت پایین (ابزارهای مالی لایه دوم مورد استناد در بازل ۲) را که از طریق بانک‌ها منتشر می‌شوند را بدون در نظر گرفتن اعتبارافزاهای بیرونی، یک درجه پایین‌تر از رتبه اعطایی به شخصیت حقوقی ناشرش رتبه‌بندی می‌کند؛ چرا که این نوع بدهی‌ها، از نظر اولویت در درجه پایین‌تر از بدهی بدون تضمین اولویت‌دار (سپرده‌ها) قرار دارند.

ابزار لایه دوم، معمولاً پایین‌تر از تمامی تعهدات دیگر بانک مشتمل بر سپرده‌گذاران و بالاتر از ابزار واجد شرایط لایه اول، رتبه‌بندی می‌شود. علاوه بر این، یک ابزار واجد شرایط لایه دوم، باید بندهای زیر را دارا باشد:

- یک بند که پرداخت اصل و سود بدهی‌ها را که ممکن است موجب کاهش در حداقل سرمایه مورد نیاز^۲ و نسبت کفایت سرمایه شده و یا کسری نسبت‌های فوق را افزایش دهد، در مدت زمان معینی، محدود می‌کند.
- یک بند در زمینه پوشش زیان از طریق تبدیل به سهام عادی یا تسویه در نقطه‌ای که ادامه فعالیت بانک از نظر مقررات امکان‌پذیر نیست.^۳ نقطه مذکور، طبق مقررات توسط ناظر قانونی تعیین می‌شود.

اگر ابزار لایه دوم دارای مشخصاتی باشد که بتوان آن را جزو سرمایه واجد شرایط شناخت، آن‌گاه طبق رویکرد برهان رتبه ابزار لایه دو که منطبق با تعریف بازل ۳ باشد، یک تا دو درجه پایین‌تر از رتبه ناشر خواهد بود. برهان بسته به وسعت ریسک عدم بازپرداخت در کنار ریسک ناشی از اولویت پایین‌تر ابزار لایه دوم (که برای تمامی اینگونه ابزارها متداول است)، رتبه اعتباری آن‌ها را یک تا دو درجه پایین‌تر خواهد آورد. ریسک عدم ایفای تعهدات به نوبه خود تابعی از نسبت بدهی‌های با اولویت به ابزارهای لایه دوم از یکسو و سلامت ترازنامه (که بر اساس کیفیت دارایی، سودآوری و سپر سرمایه‌ای بدون لحاظ ابزارهای برنامه‌ریزی شده لایه دوم ارزیابی می‌شود) از سوی دیگر است.

در تطبیق با معیارهای برهان جهت همگرایی رتبه‌بندی بانک‌های با رتبه AAA و ابزارهای مالی این بانک‌ها، برهان معمولاً رتبه ابزار لایه دوم که منطبق با تعریف بازل ۳ باشند را مساوی رتبه بانک مربوطه در نظر می‌گیرد. این تساوی اصولاً مختص آن دسته از بانک‌ها با رتبه AAA است که به عنوان مؤسسات مالی خیلی مهم محسوب شده و سپر سرمایه‌ای آن‌ها از معیاری که برهان برای رتبه مربوطه تعیین کرده است، خیلی بالاتر باشد و پیش‌بینی شود که در طول مدت افق زمانی رتبه‌بندی، در شرایط منطقی باقی بماند. در صورتی که بانک یک ابزار (تنها برای مقاصد نقدینگی) منتشر کرده باشد که در مقایسه با ابزار لایه دوم، در وضعیت بهتری از نظر اولویت و یا ریسک عدم ایفای تعهدات قرار دارد، آن‌گاه حتی برای بانک‌های با رتبه‌بندی AAA، رتبه ابزارهای لایه دوم می‌تواند با رتبه بانک تفاوت داشته باشد.

۷-۲- ابزار لایه اول

ابزار لایه اول طبق تعریف بازل ۳، باید با سررسید نامحدود و از نوع سهام ممتاز غیرجمع‌شونده بوده و همواره برای پوشش زیان‌ها قابل استفاده باشد. از دیگر مشخصه‌های ابزار لایه اول بازل ۳ می‌توان به اختیار کامل ناشر در زمینه میزان و زمان‌بندی پرداخت سود

^۲ Minimum Capital Requirements

^۳ Point of Non-Viability

اشاره نمود، لذا به عنوان مثال ناکامی در پرداخت نباید به عنوان نکول در نظر گرفته شود. علاوه بر این کوپن سود باید تنها از محل سود سالانه پرداخت شود. همچنین ابزار لایه اول بازل ۳ باید شامل اختیار تبدیل در صورت وقوع رخداد از پیش تعیین شده باشد.

رویکرد برهان در زمینه رتبه‌بندی ابزار لایه اول منطبق با بازل ۳، با توجه به اولویت پایین آن‌ها در پرداخت ادعاها و ریسک بالاتر در زمینه عدم ایفای تعهدات، ممکن است منجر به تعیین رتبه به میزان دو تا چهار درجه پایین‌تر از رتبه‌بندی ناشر شود. در اینجا نیز مشابه روش تعیین میزان کاهش درجه رتبه اعتباری ابزار لایه دوم، میزان کاهش درجه اعتباری ابزار درجه اول به محل تلاقی



نسبت بدهی‌هایی که بالاتر از لایه دوم قرار دارند و میزان سلامت مالی بانک که در ترازنامه آن منعکس است، بستگی دارد. برهان در زمان ارزیابی رتبه ابزارهای لایه اول، تأکید ویژه‌ای بر مقدار، صحت، ثبات و تنوع جریان درآمدی بانک و کیفیت سبد دارایی‌های جاری آن دارد.

تفاوت درجه در رتبه‌بندی ابزارهای لایه اولی که توسط بانک‌ها با رتبه AAA منتشر شده‌اند با رتبه بانک، به یک درجه محدود شده و ابزارهای لایه دوم معادل هم در نظر گرفته می‌شود. ابزارهای لایه اول همواره حداقل یک درجه پایین‌تر از لایه دوم رتبه‌بندی می‌شوند تا تفاوت در اولویت دو ابزار در نظر گرفته شده باشد. این بدان معناست که اگر ابزارهای لایه دوم یک درجه پایین‌تر از ناشر باشند، خود به خود ابزارهای لایه اول دو درجه کمتر از رتبه ناشر خواهد بود.

در حالی که چارچوب مقرراتی ممکن است عدم پرداخت یک کوپن را به عنوان نکول شناسایی نکند؛ شیوه‌نامه برهان آن را به عنوان نکول در نظر می‌گیرد چرا که سرمایه‌گذار به قطعیت و کامل و به موقع بودن پرداخت‌ها نیاز دارد. در موقع مواجه شدن با عدم پرداخت در ابزار لایه اول و لایه دوم، رتبه‌ها بر اساس نکول موردی اختصاص می‌یابند. زمانی که ابزار مجدداً جاری می‌شود، برهان نسبت به ارزیابی مجدد آن بر اساس توانایی بازپرداخت آتی ناشر اقدام می‌کند.

۸- تشریح شاخص‌های رتبه‌بندی

یک رتبه اعتباری، نظر شخص ثالث مستقل در زمینه توانایی و تمایل یک شخصیت حقوقی در زمینه بازپرداخت به موقع و کامل تعهداتش است. برهان، رتبه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را برای اشخاص حقوقی تعیین می‌نماید که رتبه بلندمدت تا سه سال و رتبه کوتاه‌مدت تا یکسال می‌باشد. مقیاس رتبه‌بندی بلندمدت، بیست درجه مشتمل بر AAA تا D است. AAA بالاترین کیفیت اعتباری و کمترین احتمال نکول را نشان می‌دهد در حالی که D نشان‌دهنده یک تعهد نکول شده است. رتبه‌های پایین‌تر از BBB رتبه غیرسرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. رتبه کوتاه‌مدت نشان‌دهنده وضعیت نقدینگی و استعداد نکول در کوتاه‌مدت است. رتبه‌های کوتاه مدت به شش درجه از A-1+ تا C تقسیم می‌شوند که A-1+ نشان‌دهنده بالاترین اطمینان از بازپرداخت به موقع و C نشانه پتانسیل بالای نکول در بازپرداخت به موقع تعهدات است.

برهان رتبه صکوک و تعهدات مالی خاص را با استفاده از همان نمادهایی که در رتبه‌بندی اشخاص حقوقی به کار می‌روند، تعیین می‌کند، رتبه کوتاه مدت ابزار بدهی نباید به منزله نظر برهان در زمینه توانایی کلی بازپرداخت در طول عمر ابزار بدهی محسوب شود.

رتبه اعتباری کوتاه مدت برای صکوک و تعهدات خاص تعیین نمی‌شود، چون رتبه اعتباری آن‌ها بیان‌کننده توانایی کلی متعهد برای ایفای تعهدات مالی خود در طول عمر صکوک یا تعهد است.